

زاویه

«تابناک» فیلتر شد
رفع توقیف «قانون»
● شرق: روز گذشته، با معیار خبرهای مرتبط با رسانه‌ها، روز شلوغی بود، هم خبر رفع توقیف روزنامه «قانون» منتشر شد و هم خبر فیلترشدن سایت «تابناک». همچنین در جلسه این روز هیات نظارت بر مطبوعات، به روزنامه‌های «وطن‌امروز»، «کیهان» و «آرمان»، تذکر داده شد. به گزارش «ایسنا»، روزنامه «قانون» فعالیت خود را اوایل شهریور از سر می‌گیرد. علیرضا نیکویی، رییس شورای سیاستگذاری روزنامه «قانون» از رفع توقیف این روزنامه خبر داد و افزود: «دنبال این هستیم که از اوایل شهریور مجدداً شروع به کار کنیم». نیکویی افزود: «باید بررسی شود که آیا تغییراتی در کادر این روزنامه صورت خواهد گرفت یا نه». روز گذشته شعبه ۷۶ دادگاه کیفری استان تهران حکم به رفع توقیف روزنامه «قانون» و پرداخت ۵۰میلیون‌ریال جرّای نقدی را داده است. «قانون»، مردادماه به اتهام نشر اکاذیب به قصد تشویش اذهان عمومی و انتشار مطالب خلاف عفت عمومی، در شعبه ۷۶ دادگاه کیفری استان تهران محاکمه شد. هیات‌منصفه مطبوعات درباره این روزنامه چنین اعلام نظر کرد که این نشریه مجرم است و مستحق تخفیف در مجازات نیست. همچنین دیروز سایت «تابناک» که از سایت‌های پرمخاطب خبری در ایران است، با حکم دادستانی تهران «فیلتر» شد. به گزارش سایت «شفقنا» پس از آنکه سایت «تابناک» که به محسن رضایی نزدیک است، ساعتی از دسترس مخاطبان خارج شده بود، مسؤولان سایت، علت عدم دسترسی مخاطبان را «مشکلات فنی» اعلام کرده بودند. این در حالی است که کارگروه «تعیین مصداق محتوای مجرمانه» اعلام کرد که سایت خبری – تحلیلی «تابناک» از سوی دادستانی تهران فیلتر شده است. عبدالصمد خرم‌آبادی نیز این خبر را در گفت‌وگو با «ایسنا» تایید کرده است. خبر دیگر درباره رسانه‌ها نیز آنکه بر اساس گزارش «افرس» در جلسه روز دوشنبه «هیات نظارت بر مطبوعات» به «وطن امروز» به استناد بند ۸ ماده ۶ قانون مطبوعات، «امید جوان» به استناد بند ۸ ماده ۶ قانون مطبوعات، «کیهان» به استناد مصوبات «شورایعالی امنیت ملی»، موضوع تبصره ۲ ماده ۵ قانون مطبوعات، «تذکر» داده شد همچنین موضوع کاریکاتور «مندرج در روزنامه «آرمان امروز»، مورخ ۹۳/۵/۲۴ مطرح شد و هیات نظارت بر مطبوعات ضمن توجه به توضیحات مدیرمسوول نشریه، توضیحات ارایه‌شده را کافی ندانسته و این روزنامه را به دلیل درج کاریکاتوری که شباهه توهین به مقاومت مردم فلسطین را دارد» مستحق «تذکر» دانست.

پایگاه اطلاع‌رسانی آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی برای نخستین‌بار، سخنرانی منتشرنشده‌ای از رییس مجمع‌تشخیص مصلحت‌نظام را که در ۱۳ تیر ۶۸ در اولین همایش ائمه جمعه ایرادشده منتشر کرده‌است. «هاشمی» در این سخنرانی به بیان نکاتی درباره آخرین روزهای حیات امام پرداخته است.

«هاشمی» درباره رهبری بعد از امام گفته بود: «امام با پیش‌بینی‌های خوبی که کردند کار را در روال درستی انداختند. آن موقع ما با دید خودمان یک ضمانتی برای تداوم وظیفه رهبری تنظیم کرده بودیم که متأسفانه اواخر به اشکال برخورد کرد که آقایان در جریان اشکال کار هستند. در این اواخر وقتی که به اشکال برخورد کردیم، هممان نگران بودیم و شاید خیلی از مردم هم نگران بودند که چه خواهد شد. ولی امام، راه را درست باز کردند، اصل مساله را حل کردند و به‌گونه‌هایی که ما گفتیم و شما شنیدید، ایشان راه را نشان ما دادند، اما معذوراتی داشتند که این معذورات منع صراحت ایشان بود. شاید نمی‌خواستند در تاریخ، یک بدعتی بشود که همیشه رهبری را رهبر قبل تعیین بکند و بگذارند به روال قانونی خودش انجام بشود، لذا با صراحت نمی‌گفتند. شاید معذوراتی داشتند از اینکه بالاخره شخصیت‌های بزرگوار و عظیم علمی و عملی که ما در کشور داریم با تصریح امام ممکن است مسائلی از لحاظ توقعات و… به‌وجود بیاید، این هم منظور دیگری بود. اما ایشان به‌نظر می‌رسید که مصمم بودند به یک نحوی این مطلب را به ما‌ها برسانند. در جلسات متعددی که به‌مناسبت‌هایی بحث می‌شد و ابراز نگرانی می‌شد، ایشان به‌نحوی می‌فرمودند که به‌هرحال راه ما همین است، من اینها را در نماز جمعه گفتم و حتماً آقایان شنیدند و اینجا نمی‌خواهم تکرار بکنم.»

رییس‌جمهور وقت درباره بحث اجتهاد هم گفته است: «ایشان بحثی که در مورد اجتهاد اواخر شروع کردند یعنی تذکراتی که می‌دادند، حالا ما بیشتر معنائیش را می‌فهمیم که امام چه اضاری داشتند که مفهوم اجتهاد و مصداق مجتهد مناسب کارهای اجتماعی و رهبری را برای ما مشخص کنند. بالاخره مجتهدی که در امور ولایت کشور می‌خواهد دخالت بکند، نیاز به یک‌سری معلومات و اطلاعات و آشنایی‌ها با مسایل اجتماعی دارد که معمولاً در مدرسه دست آدم نمی‌آید، هر قدر هم که آدم در مدرسه پاسواد باشد و استاد باشد و متبحر باشد ولی به‌هرحال باید در میدان عمل با واقعیت‌های زندگی و پیچیدگی‌های زندگی صنعتی امروز آشنا بشود. اجتهاد را یک معنای وسیعی برایش در نظر گرفتند که این خیلی در کارمان به‌درد خورد و بعد به‌گونه‌هایی مصداق آن اجتهاد را هم برای ما تعیین کردند و این مهم است. همه مفاهیم کلی را می‌شود تطبیق کرد اما

اینکه ایشان با اشاراتی تعیین کردند مصداق آن مجتهد مورد نظر خودشان را، این دوتا را که آدم نگاه می‌کند می‌بیند که باز همان وظیفه رهبری است بلغ ما نازل الیک من ربک که نگران آینده نباشند که میاداً بر‌خورد آرا و اندیشه‌ها و تمایلات کار مملکت را دشوار بکنند.»

چگونگی تغییر قانون اساسی

«هاشمی» درباره اصلاح قانون اساسی هم گفت:بود: «کار دیگری که امام پذیرفتند و قبلاً نمی‌کردند، مساله اصلاح قانون اساسی بود. ما خیلی وقت بود که خدمت امام می‌گفتمیم که قانون اساسی در اداره کشور مشکلات دارد، این (حرف) تازای نیست، سال‌هاست می‌گوییم، من خودم مدت‌هایپیش، چندتا موضوع را که مکتوب بعد از رحلت امام مشکل‌ساز شود به امام نوشتم من‌جمله همین قانون اساسی را که به‌هرحال ما با این قانون اساسی نمی‌توانیم کشور را درست اداره کنیم که حالا نقاطش را عرض می‌کنم که چه مشکلاتی داشتیم.

البته در بحث‌ها اینها را آقایان شنیدند که امام قبول نمی‌کردند و می‌گفتند زما‌ئش می‌رسد. این اواخر به‌گونه‌ای علاقه نشان دادند که ما آن روز نفهمیدیم، ولی حالا می‌فهمیم که چرا شد. ایشان فرمودند که خوب آن چیزی که درباره قانون اساسی می‌گفتید، حالا می‌شود مطرح کرد، آنجاهایی که فکر می‌کنید لازم است، بگویید، هر کسی

سیاست

سخنرانی منتشر نشده سال ۶۸ هاشمی درباره جنگ

امام می‌دانستند مساله جنگ را باید در زمان خودشان حل کنند



نظرات خودش را داد و ایشان هم نظرات همه را شنیدند، در آخر آنچه که خودشان به آن رسیده بودند، آن را مطرح کردند.»

او درباره اختلاف بین رییس‌جمهوری و نخست‌وزیر هم گفته بود: «در قوه‌مجریه وضع از این بدتر بود. قانونی که خبرگان اول برای اداره کشور در بخش اجرایی نوشته بودند، به‌گونه‌ای بود که وظایف رییس‌جمهور و نخست‌وزیر در خیلی موارد با هم تداخل می‌کرد. رییس‌جمهور مدعی بود حق اوست و نخست‌وزیر مدعی بود حق اوست و این باعث می‌شد بسیاری از کارهای مملکت می‌خوابید. آخر دیگر کار به جایی رسیده بود که امام ما را حُرّوسای سران سه قوه را– مامور کردند و گفتند ه‌رجا نخست‌وزیر و رییس‌جمهور با هم توافق نکنند، رای شما حاکم باشد. گاهی اتفاق می‌افتاد که نه رییس‌جمهور پولش داشت و نه نخست‌وزیر، می‌انتخاب می‌کردیم و می‌گفتمیم این را به مجلس معرفی کنید، به‌خاطر اینکه به‌جایی نمی‌رسید و باید هم همین کار را می‌کردیم.»

«هاشمی» درباره اختیارات رهبری هم گفته بود: «حل مساله اختیارات در مورد مساله رهبری هم باز یک مساله‌ای بود که آن هم حل شد. بعضی‌ها البته اختیارات رهبری را براساس ولایت مطلقه می‌دانند که رهبر همه‌جا می‌تواند اعمال نظر کند و کارش را انجام دهد. اما در قانون اساسی

هاشمی و اعضای کابینه در جریان دیدار با دانشجویان

پاسخ مشاور پارلمانی هاشمی به فرماندهان سابق سپاه

مهسا جزینی: «قدرت‌الله علیخانی» در دفاع از هاشمی می‌گفته‌های اخیر فرماندهان سابق سپاه واکنش نشان داد. مشاور پارلمانی رییس مجمع‌تشخیص مصلحت‌نظام به سایت «اعتدال» گفته است: «برخی می‌خواهند با روایت غیرمنصفانه‌ای از فرجام جنگ و با آگاهی کامل از ایشار و صوری

آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی معرکه‌ای برپا کنند و در تعبیری وارونه کسی را که حضرت امام بارهاوبارها از تندیسر و کِیاست و خلوص وی در راه تحقق اهداف انقلاب سخن گفت، مقصر و متهم ماجرا نشان دهند.» «رحیم‌صفوی» چندروز پیش در گفت‌وگو با هفته‌نامه «رمز عبور» ضمن بیان ناگفته‌هایی از روزهای جنگ به اختلاف بین فرماندهان سیاسی و نظامی جنگ و به‌طور اخص اختلاف نظر بین «هاشمی» و فرماندهان نظامی اشاره کرده و «هاشمی» را متهم کرده بود که به فکر حفظ قدرتش بعد از امام بوده است: «آقا محسن خیلی برای جنگ زحمت کشید، رهبری سیاسی جنگ، یعنی آقای هاشمی، با حضرت ام‌ام و رهبری نظامی جنگ هماهنگ نبود. به نظر من، آقای هاشمی به فکر قدرت بعد از امام بود و می‌خواست بعد از امام کشور را اداره کند. لذا می‌خواست قدرت را در دست داشته باشد و شاید پیش خود فکر می‌کرد در این جنگ نباید همه‌چیز از بین برود. این برای حفظ قدرت خود و ادامه حکومت خودش بود که نمی‌خواست همه منابع کشور از بین برود.»

«محسن رضایی» هم در مطلبی که هفته گذشته در روزنامه «جوان» منتشر شد با اشاره به نامه معروف خود به «هاشمی» درباره اعلام نیازهای جنگی، عمدا پرسشی را مطرح کرده است و درخصوص علت تأخیر در رساندن آن به دست امام تشکیک کرده است. نامه جنجال‌سازی که گویا در نوشتن و ارسال آن بین فرماندهان وقت سپاه توافقی نبوده است. تا جایی که «رحیم‌صفوی» درهمین گفت‌وگوی اخیر خود به این درخواست «آقامحسن» ایراد می‌گیرد و می‌گوید: «وقتی آقایان دانشتند این نامه را برای آقای هاشمی می‌فرستادند، بنده به آقای رضایی گفتم آقا محسن این کار را انجام ندهید.» محتوای آن نامه بعداً مستند نامه‌ای شد که امام در راستای پذیرش قطعنامه ۵۹۸ به مسؤولان نظام نوشت. در این نامه که چندسال پیش توسط دفتر «هاشمی‌رفسنجانی» منتشر شد از قول «محسن رضایی» فرمانده وقت سپاه آمده بود: «تا پنج سال دیگر ما هیچ پیروزی نداریم، ممکن است در صورت داشتن وسایلی که در طول پنج‌سال به دست می‌آوریم قدرت عملیات انهدامی یا مقابله‌به‌مثل را داشته باشیم و بعد از پایان سال

ادامه از صفحه ۵

غزه و قوانین جنگ

حملات اسرائیل به مردم غزه را جز به حمله عمدی به غیرنظامیان نمی‌توان تعبیر کرد.

۵- اصل تناسب

صدمات اتفاقی ناشی از یک حمله، در مقایسه با مزیت نظامی مستقیم و قطعی که از آن حمله انتظار می‌رود نباید بیشتر باشد. این اصل مطلبی را بیان می‌کند که در حقوق جزا در میحت دفاع مشروع نیز مطرح و شرط تحقق دفاع مشروع است.

وقتی فردی مثلاً ۳۰ساله، بچه ۱۰ساله‌ای را که با دست خالی یا چوب حصیر به او حمله کرده مثلاً با قمه یا تیپانچه می‌زند و می‌کشد و مدعی دفاع مشروع می‌شود، اعدایش را نمی‌پذیرند. زیرا دفاع با حمله تناسب ندارد. همین برخورد حتی با موردی هم که یک طرف لوله آهنی و طرف دیگر کار داشته صورت گرفته است. در تطبیق این اصل بر عملیات اسرائیل در غزه به مواردی باید توجه شود: اولاً- صدماتی که از حملات مذکور به اموال و افراد غیرنظامی وارد می‌شود به‌هیچ‌وجه «اتفاقی» نیست بلکه چه‌بسا خود هدف باشد. ثانیاً- از این صدمات عمدی هیچ مزیت نظامی – نه‌فقط «مستقیم و قطعی» بلکه «غیرمستقیم و احتمالی» هم حاصل نمی‌شود. فقط خانه‌های مردم بی‌دفاع بر سرشان خراب می‌شود.

ثالثاً- به‌نظر می‌رسد «مزیت نظامی مستقیم و قطعی» مورد انتظار اسرائیل هم نیست، بلکه هدف اخافه مردم عادی و غیرنظامیان است.

رابعاً- اگر در یک مقایسه کلی‌تر موشک‌اندازی‌های حماس و آتش پرچم اسرائیل را مقایسه کنیم، باز هم هیچ تناسبی بین اصل اعمال و نتایج آنها در دو طرف مخاصمه نمی‌بینیم.

۶- اصل حسن‌نیت

در هرگونه مذاکره میان طرفین متخاصم اصل حسن‌نیت باید رعایت شود. صرفنظر از جنبه آرمانی و ذهنی بسیار قوی این اصل، از این جهت که اگر طرفین حسن‌نیتی داشتند کارشان به جنگ و درگیری نمی‌رسید و با فرض اینکه منظور مرحله‌ای از ارتباط طرفین باشد که از جنگ خسته شده‌اند و در پی راه‌حل هستند، معمولاً ه‌روقت کار مذاکره اسرائیل و فلسطینی‌ها به نقطه‌ای می‌رسد که احتمال حل مساله می‌رود، کسی چیزی می‌گوید یا کاری می‌کند که رشته‌ها پنبه شود.

تا آنجا که بنده به یاد دارم موضوع شهرک‌سازی در این موارد داروی مجربی است که همواره نتیجه می‌دهد.

به‌هرحال فعلاً این مطلب و این مرحله را باید فراموش کرد. زیرا حداکثر چیزی که می‌توان توقع داشت، چیزی بیش از یک آتش‌بس پایدار نیست.

خلاصه و نتیجه

به‌نظر می‌رسد اسرائیل در درگیری‌های غزه هیچ‌یک از قواعد و مقررات بین‌المللی حاکم بر مخاصمات مسلحانه را رعایت نکرده است و نمی‌کند. صدمات وارده بر اموال و افراد غیرنظامی، غیرعمدی و اتفاقی نیست بلکه به‌نظر می‌رسد این اقدامات به قصد اخافه و ایجاد وحشت در غیرنظامیان صورت می‌گیرد. ضرورت این عملیات از جهت نظامی ثابت نیست، اصل تفکیک و اصل تناسب به‌هیچ‌وجه در آن رعایت نشده است و چنانچه مذاکراتی در پی آن انجام شود، حسن‌نیت اسرائیل در این مذاکره محل تردید است.

۱- حمله گسترده یا سازمان‌یافته علیه جمعیت غیرنظامی وقتی مشتمل بر اعمال غیرانسانی باشد که عالماً علماً به قصد ایجاد رنج بسیار یا صدمه شدید به جسم یا سلامت روحی و جسمی صورت می‌پذیرد، جنایت علیه بشریت است.

(ماده ۱۷اساسنامه)

۲- نقض فاحش عهدنامه‌های ۱۹۴۹ (قراردادهای چهارگانه) و دیگر موارد نقض فاحش قوانین و عرفهای مسلم حقوق بین‌المللی حاکم بر مخاصمات مسلحانه بین‌المللی جنایت جنگی محسوب می‌شود. (ماده ۸ اساسنامه)
این موارد می‌تواند از جانب هر یک از دولت‌ها یا ارکان سازمان ملل و سازمان‌های بین‌الدول (مثل ناتو) یا سازمان‌های غیردولتی، به داستان ICC اعلام شود تا دادستان در صورت اقتضا شروع به رسیدگی کند. الله اعلم.

منابع:

۱- حقوق جنگ- دکتر محمدرضا ضیاءبیگدلی- چاپ دوم- ۱۳۸۰- ص ۲۰۸
۲- آشنایی با حقوق بشردوستانه بین‌المللی- کمیته ملی حقوق‌بشردوستانه- ج ۱۱- چاپ اول-۱۳۸۱- ص ۲
۳- مرجع اخیر- ص ۲
۴- مرجع اخیر - ص ۲
۵- مرجع اخیر - ص ۳
۶- مرجع اخیر - ص ۳
۷- مرجع اخیر - ص ۱۲
۸- مرجع اخیر - ص ۱۳
۹- حقوق مخاصمات مسلحانه - تالیف پروفیسور شارل روسو- ترجمه دکتر سیدعلی هنجی- ۱۳۶۹- ص ۹۷
۱۰- ماخذ اصول ششگانه کتاب آشنایی با حقوق‌بشردوستانه (سابق‌الذکر) - صص۱۳ و۱۴